

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

FP

درس‌هایی برای پکن از جنگ ۱۲ روزه

مداخله ناگهانی آمریکا در جنگ ایران و اسرائیل، محاسبات چین را در مورد تایوان پیچیده‌تر کرد. در منازعه چین و تایوان، یک رئیس‌جمهور غیرقابل پیش‌بینی در آمریکا، مانند دونالد ترامپ، ممکن است سریع‌تر و قوی‌تر از آنچه برنامه‌ریزان چینی تصور می‌کردند اقدام کنند. حتی رئیس‌جمهور متمایل به خویشتن‌داری هم ممکن است که مسیر را تغییر دهد و به نیابت از تایوان واکنش نشان دهد. به صورت خلاصه، آمریکا همچنان ممکن است اقدام به قمار کند، مگر اینکه چین در یک حرکت بدون نقص ناگهان تایوان را تصرف کند. اقدام آمریکا باید باعث شود که شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین، اندکی تأمل کند، اما بعید است چنین چیزی رخ دهد. از گرفتاری روسیه در جنگ اوکراین تا پدافند آسیب‌دیده ایران، به نظر می‌رسد که قدرت‌های تجدیدنظرطلب بیش از پیش وارد قمارهای اشتباه می‌شوند و ممکن است پکن هم تبلیغات خودش را در مورد قدرت ارتشش باور کند. برای رهبران خلیج فارس، جنگ ۱۲ روزه اثبات کرد که آمریکا همچنان تنها بازیگر خارجی است که واقعیت‌های میدانی را تغییر می‌دهد. اینکه این کشورها سراغ پکن رفته‌بودند، ناشی از این تصور بود که واشنگتن در حال کاهش حضورش در خاورمیانه است. مسئله اصلی در مورد شبکه روابط چین در خاورمیانه و اتحاد گسترده‌تر چین-روسیه-ایران این است که هر دو شرکت بر مبنای ازدواج‌های مصلحتی هستند که به خاطر بغض مشترک ایجاد شده‌اند، اما عموماً به دلیل اختلاف‌های توانمندی و احساس خطر دچار شکاف هستند. هم‌زمان با حمله اسرائیل، هر چند بیانیه‌های چین اسرائیل را محکوم می‌کرد و از آمریکا می‌خواست که متعادل‌تر کنترل کند، اما خبری از پهباد، کمک مالی و قطعات یدکی برای شریک «جامع راهبردی» اش نبود. نتیجه این بود که این تصور تقویت شد که چین معمولاً به جای اینکه به شکل معناداری مشارکت کند، بیشتر موعظه می‌کند. این جنگ در عین حال نشان داد که بلوک تحت رهبری چین، از لحاظ همکاری متقابل، لجستیک و از همه مهم‌تر اعتماد سیاسی، ضعیف است. برای تاییه اما یک چیز روشن شد: وقتی موشک‌ها به پرواز درمی‌آیند، چین ممکن است ساکت بماند، اما آمریکا احتمالاً خودش را نشان خواهد داد. ضعف محور چین در جنگ ایران، هشدار بود که اقدام چین علیه تایوان، به‌ویژه زمانی که ترامپ در کاخ سفید است، با واکنش تند آمریکا مواجه خواهد شد. هر چند ترامپ خودش را صلح‌ساز معرفی می‌کند، اما وقایع ایران ثابت کرد که او برای نشان دادن پرستیژ آمریکا و وقتی یک متحد در خطر است، آمادگی دستور مداخله نظامی دارد.

پکن یک درس دیگر هم از جنگ گرفت. قدرت آتش همچنان می‌تواند باعث پیروزی در جنگ شود. جنگنده‌ها و پهپادهای پیچیده و مدرن چین، ممکن است که هنوز حریف توانمندی مشترک آمریکا و اسرائیل نباشد، هر چند که می‌توانند اسکاادران‌های اف-۱۶ تایوان را شکست دهند. نتیجه برای چین این است که می‌تواند از جنگ ایران درس عبرت بگیرد و ضعف‌هایی را که در حمایت محور در یک منازعه بالقوه وجود دارد، بپذیرد و بر سرعت خود بیافزاید، چراکه نمایش قدرت گسترده و غافلگیر کننده همچنان ممکن است که تاب‌آوری را بین ببرد و جلوی پشتیبانی آمریکا را بگیرد. موضوع نگران‌کننده این است که هر چند رخدادهای اخیر خلیج فارس باید باعث نگرانی چین شود، اما واقعیت این است که غرور چین باعث می‌شود تا سیگنال‌های ناخوشایند را نادیده بگیرد و جنگ‌های سال‌های اخیر نشان می‌دهد که قدرت‌های تجدیدنظر خودشان را وارد جنگ‌هایی می‌کنند که توان پایان دادن به آن را ندارند. پکن ممکن است با فشاری کند که اقدام‌های اخیر در پاکسازی ارتش و کارزارهای ضدفساد و مشکلات لجستیک، فقط مشکلات موقتی هستند و شبیه به مشکلاتی نیستند که در جنگ‌های روسیه و ایران عیان شد اما واقعیت این است که این الگو اثبات‌شده است: اعتماد به نفس کاذب معمولاً باعث سوءمحاسبه می‌شود. خطر پیش رو این است که تایوان به میز قمار بعدی تبدیل شود که یک خودکامه با حساب اینکه برنده است تمام دارایی‌اش را قمار کند و خیلی دیر بفهمد که وضعیت را اشتباه متوجه شده است.

عبدالله، وزارت خارجه



کمیتة موازی علیه مذاکرات؟

نقش مخرب کمیتة های غیرپاسخگو و غیرمتخصص در تصمیم سازی های مهم سیاست خارجی

فوری، نیازمند مشورت با کمیته باشد. وزیر امور خارجه مجبور می‌شود در هر بزنگاه مذاکرات را متوقف کند تا ابتکار خود را با کمیته در میان بگذارد و مشخص نیست که اعضای کمیته تا چه اندازه با رویکرد وزیر موافق باشند. بدون تردید وزیر امور خارجه کشور، یکی از معتمدترین دیپلمات‌های کشور است که با یکی از بالاترین آرا در میان وزرای کابینه از سدرای اعتماد مجلس شورای اسلامی رد شده است و با ۴ دهه تجربه دیپلماتیک، می‌تواند مسئولیت تصمیم‌های خود در حین مذاکرات را بپذیرد. کمیته موازی باعث گُند شدن فرآیند مذاکرات، کاهش ریسک‌پذیری دیپلمات‌ها برای ارائه راهکارها و ابتکارها و نشان دادن انعطاف به موقع می‌شود. سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه، در کتاب «قدرت مذاکره» به خوبی اشاره می‌کند که گاهی صرف زمان و موقعیت‌نشان دادن انعطاف یا ارائه ابتکار، می‌تواند باعث موفقیت یا شکست مذاکرات شود.

فقدان تخصص

علی‌اکبر صالحی در مصاحبه اخیر خود می‌گوید: «الان... آقای عراقچی که وزارت خارجه را در اختیار دارد و آدم‌های پرمایه‌ای در آنجا هستند، از سیاستمدار گرفته تا حقوق دان و هر جور تخصصی در وزارت خارجه پیدا می‌شود، احتیاج نیست که کمیته دیگری بگذارند و تعدادی از اینور و آنور باشند که این کمیته تعیین تکلیف کند. دقیقاً مشخص نیست در کمیته‌ای که گفته می‌شود مسئولیت سیاست‌گذاری در خصوص مذاکرات را بر عهده دارد چه کسانی عضویت دارند.» واقعیت این است که بسیاری از مدعیان «مسئولیت پرونده هسته‌ای» تخصص چندانی در حوزه دیپلماسی ندارند. دیپلمات‌ها از ابتدای کارشان با دیدگاه جامعی به مسائل بین‌المللی آشنا می‌شوند، آنها نه تنها منافع ملی و نحوه مذاکره را می‌آموزند، بلکه به خوبی باویایی‌های ژئولیتیک و ژئواستراتژیک جهان هم آشنا هستند. شاید اگر کمیته‌ای وجود نداشت وزیر امور خارجه شخصاً تصمیم‌گیر بود، در ماه‌های ابتدای جنگ اوکراین یک دیپلمات کارکشته به سادگی در دام توهم «مستان سخت اروپا» نمی‌افتاد و تصور نمی‌کرد که اروپایی‌ها به دلیل جنگ اوکراین حاضر هستند امتیازهایی بسیار فراتر از برجام به ایران بدهند تا از انرژی و نفت ایران بهره‌مند شوند. فوت و فن مذاکره و دیپلماسی، یک مبحث کاملاً تخصصی است که از سال‌ها تجربه و تحصیل حاصل می‌شود.

هر چند حضور کمیته‌های مشورتی و اعلام نظر از سوی نهادها و بخش‌های مختلف کشور می‌تواند به تصمیم‌گیری صحیح‌تر دیپلمات‌های کشور کمک کند، اما همانگونه که علی‌اکبر صالحی، وزیر خارجه پیشین کشور می‌گوید باید گذاشت وزارت امور خارجه کارش را بکند. بهترین فرد برای در اختیار گرفتن مسئولیت مذاکرات شخص وزیر امور خارجه است که تحت نظارت مستقیم شورای عالی امنیت ملی و رئیس‌جمهور می‌تواند از تجربه و اختیار خود برای رسیدن به بهترین نتایج برای منافع، مصالح و عزت کشور تلاش کند.

بار در اسفند ۱۳۹۹ و شهریور ۱۴۰۰ در آستانه امضای توافقی برای احیای برجام، تصمیم‌هایی می‌گیرند که باعث می‌شود مذاکرات با شکست مواجه شود. علی‌اکبر صالحی می‌گوید: «اگر یک نفر در این کمیته حرفی بزند، می‌شود مثل آن دوران آقای [علی] باقری، که می‌گویند [برای احیای برجام] ایشان به نتیجه رسیده بود و آقای امیرعبداللهیان هم آمده می‌شد که برود و امضا کند که در آن کمیته بحثی شکل می‌گیرد [و قضیه لغو می‌شود].»

نهاد غیر پاسخگو

کمیته‌ای که گفته می‌شود مسئولیت سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی برای پرونده مذاکرات هسته‌ای را بر عهده دارد یک نهاد پنهانی و ناشناخته برای افکار عمومی است. دقیقاً کسی نمی‌داند چه کسی در این کمیته عضو است و چه تخصص، گرایش فکری و منصبی دارد. مشخص نیست که تصمیم‌ها در این نهاد به‌صورت رای‌گیری اتخاذ می‌شود یا به صورت اجماعی. برخلاف وزیر امور خارجه که یکی از وزرای کابینه است و هر زمان که مجلس شورای اسلامی اراده کند، برای پاسخگویی به سوالات نمایندگان مردم موظف است به مجلس برود یا حتی به دلیل خطا، استیضاح و برکنار شود، اعضای ناشناخته کمیته هسته‌ای در مقابل مردم پاسخگو نیستند. تصمیم‌های آنها علنی نیست و هرگز در مقابل تصمیم‌هایی که می‌گیرند در مقابل افکار عمومی و نمایندگان مجلس پاسخگو نیستند. قرار گرفتن کامل مسئولیت اجرای مذاکرات و تصمیم‌گیری در خصوص جزئیات به وزارت امور خارجه، شفافیت در عملکرد مذاکره‌کنندگان را به شکل چشمگیری افزایش خواهد داد و باعث می‌شود که مذاکرات تحت نظارت مستقیم نمایندگان مردم و توسط فردی بازخواست و پاسخگو انجام شود. علی‌اکبر صالحی در مصاحبه خود می‌گوید: «امن احساس می‌کنم آقای عراقچی، نسبت به عراقچی‌ای که قبلاً می‌شناختم محتاط‌تر است و از همه اختیارات وزارتش نمی‌خواهد استفاده کند. من به رئیس‌جمهور هم گفتم که اختیاری از آقا بگیرد، که آقای عراقچی و گروه‌شان [بروند و مذاکره کنند] اینها که نمی‌خواهند خیانت کنند.»

کاهش ریسک‌پذیری

فرد وزیر امور خارجه، به عنوان یک دیپلمات کارکشته که به گفته خودش از سال ۱۳۴۶ که وارد دانشکده وزارت امور خارجه شد تاکنون ۴۰ سال تجربه دیپلماتیک دارد، با استفاده از تجربه ارزشمندی که در این ۴ دهه کسب کرده است، می‌تواند در گام به گام مذاکرات با ابتکارها، راهکارها و تصمیم‌های فوری مذاکرات را با هدف پیشبرد منافع و مصالح ملی جلو ببرد. در مورد دستور کار عمومی مذاکرات و خطوط قرمز، نهاد بالادستی، یعنی شورای عالی امنیت ملی، وجود دارد که به صورت مستقیم این دستورالعمل‌ها را با تصویب بالاترین مقام کشور در اختیار وزیر امور خارجه قرار می‌دهد. اما وابستگی وزیر امور خارجه به کمیته موازی، باعث می‌شود هر ابتکار و تصمیمی به جای تصمیم‌گیری



شهاب شهبازی

خبرنگار گروه دیپلماسی

مسئله دخالت کمیته‌های غیرمتخصص و غیرپاسخگو با اعضای ناشناخته برای افکار عمومی در تصمیم‌سازی‌های کلان سیاست خارجی، بار دیگر با اظهارات اخیر علی‌اکبر صالحی، وزیر پیشین امور خارجه جمهوری اسلامی ایران بار دیگر مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفته است. صالحی در مصاحبه اخیرش با رسانه تازه تأسیس سینرژی با انتقاد از تشکیل کمیته موازی با وزارت امور خارجه و شورای عالی امنیت ملی برای تصمیم‌گیری در خصوص مذاکرات می‌گوید: «[باید] بگذارند وزارت خارجه کارش را بکند.» علی‌اکبر صالحی در این مصاحبه می‌گوید: «اگر یک گروه دیگر بگذاریم کنار گروه [وزیر امور خارجه] چه فایده‌ای دارد؟ اینها بهتر از عراقچی می‌دانند که چه خبر است؟ بهتر از آقای تخت‌روانچی می‌دانند چه خبر است؟ بهتر از آقای غریب‌آبادی می‌دانند چه خبر است؟ اینجوری نیست!» او با تأکید بر حضور نیروهای متخصص و توانمند در تیم مذاکرات و وزارت امور خارجه می‌گوید: «دوباره یک کمیته درست کرده‌ایم. شورای عالی امنیت ملی عیبی ندارد، چون یک نهاد بالادستی است اما کمیته‌ای درست کرده‌ایم که یک نفر می‌آید و می‌گوید اینجوری است و آنجوری است...» موضوع دخالت خارج از دستگاه سیاست خارجی در پرونده مذاکرات هسته‌ای، آذرماه پارسال هم با مصاحبه علی‌شمخانی، دبیر پیشین شورای عالی امنیت ملی که گفته بود «من مسئول پرونده هسته‌ای هستم» بر جسته شده بود. در آن دوران وزارت امور خارجه بیانیه‌ای صادر و تأکید کرد که مسئولیت مذاکرات بر عهده وزارت امور خارجه است.

اما همچنان نگرانی‌ها در مورد دخالت نهادهای غیرتخصصی و فاقد صلاحیت در مورد مذاکرات وجود داشت تا اینکه بار دیگر مصاحبه اخیر علی‌اکبر صالحی این نگرانی‌ها را تشدید کرد. این نخستین بار نیست که موضوع دخالت کمیته‌های موازی در تصمیم‌سازی‌های مذاکرات مطرح می‌شود. درست از زمان انعقاد برجام تا به امروز، چندین بار کمیته‌هایی علنی و غیرعلنی برای رسیدگی به موضوع اجرای برجام و پس از خروج آمریکا موضوع مذاکرات نجات و احیای برجام تشکیل شده است. یکی از جنجالی‌ترین نمونه‌های این کمیته‌ها، کمیته‌ای است که گفته می‌شود با عضویت محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، علی‌شمخانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، سیدعباس عراقچی، معاون سیاسی وقت وزیر امور خارجه و چند نماینده مجلس برای تعیین دستور کار مذاکرات احیای برجام هم‌زمان با آغاز به کار دولت جو بایدن در آمریکا تشکیل شد. مقام‌های دولت دوازدهم چندبار تاکنون در جلسات علنی و غیرعلنی از عملکرد این کمیته و تصمیم‌هایی که باعث ایجاد مانع در برابر احیای برجام شد انتقاد کرده‌اند. چنین کمیته‌ای بعدها در دوران دولت سیزدهم هم در مذاکرات دخالت می‌کرد. معروف است که اعضای این کمیته دو

قرار گرفتن کامل مسئولیت اجرای تصمیم‌گیری در خصوص جزئیات به وزارت امور خارجه، شفافیت در عملکرد مذاکره‌کنندگان را به شکل چشمگیری افزایش خواهد داد و باعث می‌شود که مذاکرات تحت نظارت مستقیم نمایندگان مردم و توسط فردی بازخواست و پاسخگو انجام شود.

علی‌اکبر صالحی در مصاحبه خود می‌گوید: «من احساس می‌کنم آقای عراقچی، نسبت به عراقچی‌ای که قبلاً می‌شناختم محتاط‌تر است و از همه اختیارات وزارتش نمی‌خواهد استفاده کند.»

کاهش ریسک‌پذیری

فرد وزیر امور خارجه، به عنوان یک دیپلمات کارکشته که به گفته خودش از سال ۱۳۴۶ که وارد دانشکده وزارت امور خارجه شد تاکنون ۴۰ سال تجربه دیپلماتیک دارد، با استفاده از تجربه ارزشمندی که در این ۴ دهه کسب کرده است، می‌تواند در گام به گام مذاکرات با ابتکارها، راهکارها و تصمیم‌های فوری مذاکرات را با هدف پیشبرد منافع و مصالح ملی جلو ببرد. در مورد دستور کار عمومی مذاکرات و خطوط قرمز، نهاد بالادستی، یعنی شورای عالی امنیت ملی، وجود دارد که به صورت مستقیم این دستورالعمل‌ها را با تصویب بالاترین مقام کشور در اختیار وزیر امور خارجه قرار می‌دهد. اما وابستگی وزیر امور خارجه به کمیته موازی، باعث می‌شود هر ابتکار و تصمیمی به جای تصمیم‌گیری